

رشته علوم اجتماعی در ایران

بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته علوم اجتماعی و نسبت آن با اشتغال دانش‌آموختگان

محمدسالار کسرائی^۱

آتنا غلام‌نیارمی^۲

در هر نظام آموزشی، یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت و اعتلای علوم و رشته‌های دانشگاهی مربوط به آن، بررسی و ارزیابی مستمر برنامه‌های آموزشی آن رشته علمی به ویژه از حیث مهارت افزایی دانش‌آموختگان است. برنامه آموزشی، حلقه اتصال دانشجویان و فراگیران هر رشته تحصیلی، به دانش و مهارت بوده و بستری است که دانش‌آموختگان در آن با کسب تخصص‌های لازم، برای ورود به بازار کار آماده می‌شوند. با ارزیابی مداوم و مستمر برنامه‌های آموزشی یک رشته دانشگاهی می‌توان به میزان مهارت‌افزایی، تخصص‌گرایی و کاربردی بودن آن پی برد و به شناختی از تناسب آن با نیازهای جاری کشور و بازار تقاضای آن دست یافت. این ارزیابی، گامی مهم و موثر در جهت اعتلای نظام آموزشی کشور و برآوردن شدن صحیح نیازهای جامعه نیز خواهد بود. بنابراین واکاوی برنامه آموزشی هر رشته علمی به ویژه از حیث بررسی نسبت علم و مهارت در آن و نیز بررسی محتوای دروسی که به ارتقای مهارت افزایی در راستای اشتغال دانش‌آموختگان می‌انجامد، از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با بررسی و تحلیل تاریخی رشته علوم اجتماعی و برنامه‌های آموزشی آن در ایران می‌توان روند این رشته دانشگاهی را از آغاز پیدایش تا امروز مورد ارزیابی قرار داد و با این ارزیابی می‌توان به نقاط قوت و ضعف، کاستی‌ها و پیشرفت‌ها، موانع و چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، مسائل و اشکالات این رشته در بستر و زمینه اجتماعی، فرهنگی و دانشگاهی کشور ایران دست یافت. با استخراج این مولفه‌ها، شناختی دقیق‌تر و عمیق‌تر از وضعیت گذشته و موجود این رشته حاصل و امکان دسترسی به پتانسیل‌های بالقوه این رشته فراهم می‌گردد. با این دسترسی می‌توان گامی در جهت توانمند ساختن هرچه بیشتر رشته علوم اجتماعی برداشت و در هر دو سطح فردی و اجتماعی با شناسایی موفقیت‌های نظری، گفتمانی و نهادی آن در جهت اعتلای ارتقای علوم انسانی و معیارهای تحول و ارتقای علوم اجتماعی بهره برد. از آنجا که این علم با انسان و جامعه سروکار دارد، اعتلای آن به پیشرفت فرد، جامعه و کشور خواهد انجامید.

از سوی دیگر، با شناخت و بررسی میزان مهارت افزایی دانش‌آموختگان این رشته و بررسی وضعیت اشتغال آنان و نسبت این دو مولفه مهم با یکدیگر، می‌توان به راه کارهایی در جهت بهبود وضعیت دانش‌آموختگان دست یافت. یافتن نسبت میان تحصیل، مهارت‌آموزی و اشتغال دانش‌آموختگان رشته علوم اجتماعی کمک شایانی به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های آینده در این حوزه خواهد نمود.

از یافته‌های این پژوهش می‌توان در تدوین برنامه‌ریزی‌های کلان آموزشی برای رشته علوم اجتماعی و پیشرفت آن و همچنین دستیابی به کارکردهای این رشته و انطباق آن با نیازهای آموزشی، اجتماعی و فرهنگی کشور بهره گرفت. از نتایج به دست آمده در این پژوهش می‌توان اشکالات، موانع و چالش‌های موجود بر سر راه رشته علوم اجتماعی در ایران را در روند تاریخی اش استخراج کرده و از این تجربه تاریخی در جهت توانمندسازی و اعتلای این رشته در ایران استفاده کرد.

^۱ - دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۲ - دکتری علوم اجتماعی - پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی